

شرحی مختصر بر زیارت اربعین



تذکره اربعین نگاه گذرا

باب تفکری پیرامون
زیارت نامه اربعین

sabbar.ir / @sabbar_ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه توجه به زیارت اربعین

✓ تنها برای امام حسین علیه السلام زیارت اربعین مطرح است و امام حسن عسکری علیه السلام آن را نشانه مومن شمردند تا شیعیان از طریق آن باب رجوع تاریخی به اسلام را شروع کنند. اربعین و عدد چهل خصوصیتی دارد که دیگر ارقام آن را ندارد. غالب انبیای الهی در سنّ چهل سالگی به رسالت مبعوث شدند و ملاقات خصوصی حضرت موسی علیه السلام و ذات اقدس الهی چهل شب بود و در نماز شب سفارش شده است که چهل مؤمن را دعا کنید و همسایگان را تا چهل خانه گرمی بدارید. این ها نشان می دهد که عدد چهل از برجستگی خاص برخوردار است. در روایات اسلامی چنین آمده است: زمینی که روی آن انبیا و اولیای الهی و بندگان مؤمن، خدا را عبادت کرده اند، چهل روز در مرگ آنان می گرید، ولی در شهادت امام حسین علیه السلام آسمان و زمین، چهل روز خون گریه کردند. البته اشک یا خون را در این گونه از روایات نباید بر اشک یا خون ظاهری حمل کرد؛ چنان که نباید آن را انکار کرد.

✓ اهمیت زیارت اربعین، تنها به این نیست که از نشانه های ایمان است، بلکه طبق این روایت در ردیف نمازهای واجب و مستحب قرار گرفته است. برپایه این روایت، همان گونه که نماز ستون دین و شریعت است، زیارت اربعین و حادثه کربلا نیز ستون ولایت است. براساس فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله: «عصاره رسالت نبوی صلی الله علیه و آله قرآن و عترت است؛ «إني تارك فيكم الثقلين... كتاب الله و... عترتي أهل بيتي». عصاره کتاب الهی که دین خداست، ستونی دارد که نماز است و عصاره عترت نیز ستونش زیارت اربعین است که این دو ستون در روایت امام عسکری علیه السلام در کنار هم ذکر شده است؛ اما مهم آن است که دریابیم نماز و زیارت اربعین انسان را چگونه متدین می کنند...: انسان، فطرتاً موحد است، ولی طبیعت او به هنگام حوادث تلخ، جزع دارد و در حوادث شیرین از خیر جلوگیری می کند، مگر انسان های نمازگزار که آنان می توانند این خوی سرکش طبیعت را تعدیل کنند و از هلع، جزع و منوع بودن به درآیند و مشمول رحمت های خاص الهی باشند؛ (إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً * إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً * و إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً * إِلَّا الْمُصَلِّينَ). زیارت اربعین نیز انسان را از جزع، هلع و منوع بودن باز می دارد و گفته شد که هدف اساسی سالار شهیدان نیز تعلیم و تزکیه

مردم بوده است و در این راه، هم از طریق بیان و بنان اقدام کرد و هم از راه بذل خون جگر که جمع میان این راه ها از ویژگی های ممتاز آن حضرت علیه السلام است.^۱

✓ زیارت ارتباط قلبی و روحی است، و بقای ایمان زائر به این نوع ارتباط عاطفی است. چرا که انسان ها پیش از آن که با عقلشان زندگی کنند با قلبشان زندگی می کنند، و لذا زائر امام با قلبش امام را زیارت می کند. اربعین روزی است که همه ی اهل معرفت و سالکین و دوستان و ارادتمندان آن حضرت، بعد از یک چله ی حسینی که سیر مقامات کردند باید بنشینند نتیجه ی کارهای خود را جمع بندی و برداشت کنند.

✓ در زیارت وارث با نظر به آدم شروع می شود با کلمه «صفی الله» نظر می شود. یعنی می خواهید امام حسین علیه السلام را در آینه بقیه پیامبران بیابید. اما در زیارت اربعین با امام حسین علیه السلام و ولایت حضرت بقیه صفات انبیاء را می بینید. به زبان دیگر «یا من دل علی ذاته بذاته» همه انبیاء در حسین علیه السلام نمایش یافته است.

✓ در زیارت عاشورا (۲۲ لعن و سلام) ۱۱ لعن و براءت و ۱۱ سلام داریم ولی در زیارت اربعین (۱۱ لعن و سلام) ۴ لعن و ۷ سلام و ذکر فضائل جدیدی از امام حسین علیه السلام نظر می اندازید.

✓ سلام در جایی مطرح است که حضور باشد و به نحوی کسی مخاطب باشد. لذا زائری که مسیر را پیاده با نظر به زائران و خادمان با حسین علیه السلام مانوس بوده باید این حضور را در سلام بیابد.

✓ زائر با تکرار واژه سلام، روح و روان خود را به لحاظ نزدیکی به ایشان از پستی ها و رذایل و آلودگی ها پاک می نماید.

✓ سلام به حقیقتی، طلب آن حقیقت است. به همین دلیل به تمام حالت های امام در زیارت آل یاسین سلام می کنید، چرا که امام خود برتر ماست. این زیارت ها و سلام ها احیای خودِ اصیل انسان ها است تا از اصل خود جدا نشوند و عهد خود را با امام علیه السلام هرگز نشکنند.

آن زمان کآرزوی دیدنِ جانم باشد *** در نظر نقشِ رخِ خوبِ تو تصویر کنم

✓ در سلام ها ولایت - خُلْتُ یا خِلْتُ (یا ماده خلل یعنی حلول الشیء فی الشیء، یعنی نمایش تمام حق) و سپس صِفْتُ و شهادت و اسارت مطرح است تا طریق آسمانی حسین علیه السلام و طریق آسمانی

^۱ بر گرفته از کتاب شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی اثر آیت الله جوادی آملی

شدن زائر محقق گردد. یعنی : غم دین و گریه - مظلومیت و شهود - صِفَت و گزینش - خُلّت و نجات - ولایت و محبت (رسیدن به ولایت آرزوی مومن است)

طیب مسیحا دم است و مشفق لیک *** چو درد در تو نبیند کرا دوا بکند

✓ شاید نظر به فرازهایی از مناجات شعبانیه بتواند افقی نورانی برای زیارت امام حسین (علیه السلام) داشته باشد. پس همراه با نور مولایمان علی (علیه السلام) نظر به امام حسین (علیه السلام) که نمایش حق است بینداز و بگو:

إِلَهِي بِكَ عَلَيَّ إِلَّا الْحَقَّتَنِي بِمَحَلِّ أَهْلِ طَاعَتِكَ وَ الْمَثْوَى الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ فَإِنِّي لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعًا وَ لَا أُمْلِكُ لَهَا نَفْعًا خَدَاوَنَدَا! تو را به خودت سوگند، که مرا به جایگاه اهل طاعتت برسان و به منزلگاه شایسته و پسندیده خویش، رهنمون باش، که من، نه می توانم شری را از خویش دور سازم و نه سودی به خویش رسانم.

إِلَهِي أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الْمَذْنِبُ وَ مَمْلُوكُكَ الْمُنِيبُ الْمَعِيبُ فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفْتَ عَنْهُ وَجْهَكَ وَ حَجَبَهُ سَهْوَهُ عَنْ عَفْوِكَ كَرْدِگَارَا! من، بنده ناتوان و گنهکار توام و برده عیناک تو، که بسویت آمده ام. پس مرا از آنان مگردان که چهره لطف خویش از آنان برگردانده ای و اشتباهاتشان حجاب بخشایش تو گشته است.

إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ أُنِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخْرُقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعِظَمَةِ وَ تَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلِّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ خَدَايَا! مرا کمال گسستن از غیر و پیوستن به خودت عطا کن دیده دلهايمان را با فروغ نگاه به خود، روشن ساز تا دیده های بصیرت دل، حجاب های نور را از هم بر دارد و به کانون عظمت برسد و جان های ما آویخته در گاه عزت و قدس تو گردد.

إِلَهِي وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ لَاحَظْتَهُ فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ فَنَاجَيْتَهُ سِرًّا وَ عَمِلَ لَكَ جَهْرًا خَدَايَا! مرا از آنان قرار ده که ندايشان کردی، پاسخت گفتند و نگاهشان کردی، مدهوش جلال تو گشت، با آنان، راز گفتی و نجوا کردی، آشکارا برای تو کار کردند.

در این شرح مختصر بیشتر سعی شده مخاطب خودش در فرازهای زیارت تفکر کند، و با ادامه آن معانی بیشتری را کشف نماید. در شرح فقرات زیارت، این نوشتار بیشتر از شرح مختصر استاد طاهرزاده در کتاب کربلا مبارزه با پوچی ها بهره بردیم. امید است بتوانیم بستری برای کیفیت بخشی به این حرکت عظیم مردمی در اربعین حسینی ایجاد نماییم. آنچه نباید فراموش شود این نوشتار نظر به افق زیارت اربعین است و هرگز به عنوان نهایت برداشت نمی باشد.

زیارت اربعین

فراز اول: نظر به امام با سلام به او

السَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ سلام بر ولی خدا و کسی که مورد محبت شدید اوست.

✓ این سلام یعنی ظهور ارادت به امام، یعنی هنوز حسین بن علی (علیه السلام)، زنده و حبیب و ولی خداست، نه یزید و یزیدیان؛ و هنوز دل ما به ولی و حبیب خدا نظر دارد و تبلیغات یزیدی در طول تاریخ نتوانسته است ما را طعمه خود کند.

✓ حبیب به کسی می گویند که همه محاسن و خوبی ها در او جمع شده باشد. در عرب وقتی چیزی بر وزن فُعِيل بشود علاوه بر معنی تصغیر به معنی سراسر در فعل است. یعنی حسین به معنی سراسر در زیبایی و لذا او حبیب است. مگر می شود حقایق را بدون استفاده از کلمات مقدس حب و عشق و ولایت تشریح کرد؟

✓ ولایت نوعی تصرف بر عالم است. خداوند سرپرستی دیگر انسان ها و تدبیر امور آنان را به «ولی» واگذار می کند. به بیان دیگر جلوه خدایی در همه موجودات. سلام و نظر به ولی الله طلب ولایت است.

✓ اطاعت و تبعیت و ولایت در قرآن به یک صورت معنا می شود. اطاعت می شود منافقانه باشد، ولی تبعیت قلبی است، اما آنچه در ولایت محقق می شود، نوعی هم منظر و هم افق شدن با امام است. کسی که به مرحله ولایت نظر انداخته میدانند امام از او چه می خواهد ولو در بیابان باشد.

✓ شیعه در ۴۰ روز اشک و توجه به نظر به امام حسین (علیه السلام) چنان خصوصیتی می یابد ماوراء همه زیارت ها، بدون واسطه به این مقام نظر بیندازد. در زیارت عاشورا امام حسین (علیه السلام) را در نسبت به

رسول اکرم ﷺ توجه می کنید ولی در این زیارت به مقام ولایت نظر می کنید و این ولایتی شدن شیعه است.

مایه ی خوشدلی آنجاست که دلدار آنجاست *** میکنم جهد که خود را مگر آنجا فکنم
حافظا تکیه بر ایام چو سهو است و خطا ***** من چرا عشرت امروز به فردا فکنم

السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ وَ نَجِيبِهِ - سلام بر خلیل خدا و بنده نجیب و برگزیده او

✓ یعنی سلام بر تو که خودت را برای خدا از هر خودیتی خالی کردی و سلام بر بنده نجیب خدا! که هیچ عصیانی در مقابل خدا نداشت. نجیب یعنی از بین همه خلیلان او برای خلق عاشورا برگزیده شد.

✓ خلیل الله : این کلمه از همان ماده "تخلل" است. تخلل یعنی آمیختگی، یکی شدن . دو نفر وقتی با همدیگر دوست می شوند، ولو ریشه اش مطامع باشد، بالاخره با یکدیگر اختلاط و امتزاج روحی پیدا می کنند.^۱ یعنی حسین علیهما السلام ظهور حق است. حرکات و سکنات او نمایش خداست، خدا در او به ظهور رسیده. امام رضا علیهما السلام فرمودند: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ بِشَطِّ الْفُرَاتِ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ^۲ هر کس ابا عبدالله علیهما السلام را کنار شط فرات زیارت کند، مانند کسی است که خداوند را در بالای عرش زیارت کرده است.

✓ در روایتی از امام رضا علیهما السلام می خوانیم: «إِنَّمَا اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا لِأَنَّهُ لَمْ يَرُدَّ أَحَدًا وَ لَمْ يَسْأَلْ أَحَدًا قَطُّ غَيْرَ اللَّهِ تَعَالَى» «خداوند، ابراهیم علیهما السلام را به عنوان خلیل خود انتخاب کرد زیرا هرگز تقاضا کننده ای را محروم نساخت و هیچ گاه از کسی غیر از خدا، تقاضایی نکرد.»^۳ ابراهیم علیهما السلام به جبرائیل علیهما السلام گفت: به چه علت خدا مرا خلیل خود کرد؟ جبرئیل گفت: برای آنکه هیچکس از تو سؤال و تقاضایی نکرد مگر اینکه پاسخ مثبت به او دادی.^۴ سایر عللی که در روایات مورد اشاره قرار

^۱ مرتضی مطهری - آشنایی با قرآن جلد ۵ - صفحه ۲۳-۲۴

^۲ تهذیب الأحکام ج: ۶ ص: ۴۶

^۳ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۴۲.

^۴ بحار الانوار ط قدیم ج ۵ ص ۱

گرفته است، عبارتند از: کثرت سجود، اطعام گرسنگان، نماز در دل شب و کوشا بودن در راه اطاعت پروردگار^۱ آری هیچ کس از در خانه کرم امام حسین علیه السلام دست خالی بر نمی گردد.

السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ وَأَبْنِ صَفِيَّهِ سلام بر بنده برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش

✓ یعنی سلام بر بنده با صفای خدا، دوست برگزیده و خالص او که فرزند خانواده باصفایی است،
✓ «صفو» در لغت به معنای خالص بودن چیزی است و از این رو به سنگ صاف و خالص «صفا» می گویند. و به غسل خالص و صاف که آمیخته با چیزی نباشد غسل مصفی گفته می شود، «انهار من غسل مصفی»، و بنا بر این «اصطفای» به معنای انتخاب کردن قسمت خالص چیزی است.
✓ به پیامبر صلی الله علیه و آله مصطفی گفته می شود چون از بین ۱۲۴۰۰۰ پیامبر جهت خاتمیت انتخاب شد. و امام حسین علیه السلام از میان همه برای کاری خاص و تحولی عظیم برای بازگشت بشریت انتخاب شد. کسی که باید عهد بندگی و نظر به عالم قدس را با کربلا محقق کند. آری او صفی الله است، و فرزند کسی است که خدا او را در بین همه آغازگر امامت برگزید.

✓ حسین جان! مردمی که می خواهند با قلب زندگی کنند، حرکت تو حیات دیگری برای آنان گشود، تا با نظر به جلوه های عاشقیت و نهایی ترین جملات^۲ عهد عشق خود را با حق دوباره بسرانند. آری تو برای کاری خاص برگزیده شدی، که همه انبیاء با گریه برتو، به مقصد خود نظر می کنند.

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ سلام بر حسین مظلوم و شهید

✓ سلام و ارتباط با امامی مظلوم و شهید، یعنی گشودن دریچه جان به سوی ذاتی مقدس که در رهگذر یافتن حیات معنوی به راحتی از حیات بدنی می گذرد، در این حالت انسان نسبت به خود بی

^۱ تفاسیر ذیل آیه ۱۲۵ سوره نساء

^۲ آخرین مناجات امام حسین علیه السلام در گودال قتلگاه که با پروردگار خود عاشقانه نجوا می کرد: «اللهم متعالی المکان ... صبرا علی قضائک یا رب لا اله سواک یا غیاث المستغیثین مالی رب سواک ولا معبود غیرک صبرا علی حکمک یا غیاث من لا غیاث له ... یا خدایی که مقامت بس بلند است ... در مقابل قضای تو شکیا هستم. ای پروردگاری که بجز تو خدایی نیست! ای فریادرس دادخواهان! مرا جز تو پروردگاری و معبودی نیست. بر حکم تو صابر و شکیا هستم. ای فریادرس آنکه فریاد رسی ندارد. و آنگاه که صورت خونین به خاک گذاشت و آخرین سجده اش را بجا آورد، فرمود: «بسم الله وبالله وفي سبيل الله وعلى مله رسول الله»

تفاوت نخواهد بود تا هرچه را زمانه بر سرش می‌آورد بپذیرد، و امیدش از دست‌یابی به خودِ برین نابود شده باشد.

✓ شهادت به معنای شهود است. مظلومیت حضرت بیشتر از آنکه معطف به زخم‌های تنش باشد به دلیل شهود انحراف تاریخش است. آری خدا نوری برای آسمانی شدن انسانها فرستاد، ولی این مردم با او چه کردند؟! امام زیادی مسلمانانی را می‌بیند که حقیقت را گم کرده اند، ولی ندای حقیقی او در گوشی، کارگر نمی‌گردد. وجه مظلومیتی از این بالاتر؟ «ما اقل الحجيج و اكثر الضجيج»^۱ خداوند در سوره فاطر می‌فرماید: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَى مِنْ إِيْحَدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا» و با سوگندهای سخت خود به خدا قسم می‌خوردند، که اگر هرآینه هشداردهنده‌ای برای آنان بیاید قطعاً از هر یک از امتهای دیگر راه‌یافته‌تر شوند ولی چون هشداردهنده‌ای برای ایشان آمد جز بر نفرتشان نیفزود.

از همه محروم‌تر خفاش بود **** که عدوی آفتاب فاش بود

غایت لطف و کمال او بود **** گر نه خفاشش کجا مانع شود

✓ هر کس پای شعائر الهی ایستاد، قطعاً در بین مردم دنیا زده مظلوم واقع می‌شود. آری در نظر به امام حسین (علیه السلام) است که ثابت عصر ما امام خمینی (ره) برای پافشاری بر عهد حسینی خود فرمودند: «هیچ کس هم نیست که نداند پشت کردن به فرهنگِ دَوَلِ دنیای امروز و پایه ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام در جهان و برخورد قاطع اسلامی با امریکا و شوروی، فشار و سختی و شهادت و گرسنگی را به دنبال دارد و مردم ما این راه را خود انتخاب کرده اند و بهای آن را هم خواهند پرداخت مگر بیش از این است که ما ظاهراً از جهان‌خواران شکست می‌خوریم و نابود می‌شویم؟ مگر بیش از این است که ما را در دنیا به خشونت و تحجر معرفی می‌کنند؟»^۲

السَّلامُ عَلَى أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَ قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ سلام بر آن بزرگواری که به گرفتاری‌ها اسیر بود و

کشته اشکِ روان گردید

^۱ بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۲۶۱.

^۲ آخرین پیام رسمی امام ۶۸/۲/۲

✓ سلام بر شما که گرفتار سختی‌ها شدید و دشمنان اسلام، صحنه را برای شما تنگ کردند و مانع انجام وظیفه امامت شما شدند. شما کشته اشک هستید؛ یعنی کشته شدنی که آه و اشک به دنبال دارد، یک کشته شدن عاطفی و روحانی، نه سیاسی و افراطی، بلکه کشته شدنی ناب و اصیل.

✓ کُربات، جمع کُربت است؛ یعنی مصیبت‌ها و غم‌ها از همه طرف حضرت را محاصره کردند. و حضرت تک و تنها بود. و چه غمی بالاتر از اینکه بدانی دین به انحراف رفته و هر روز، دوری از حقیقت بیشتر می‌شود. آری حسین علیه السلام اسیر همه غم‌ها تا امروز من و شماست و این بزرگترین مصیبت قلب حضرت است. سلام به اسیر کربات یعنی من هم می‌خواهم غم دین بخورم و تمام همتم آب و نانم نباشد.

غم گیتی گر از پایم در آرد **** بجز ساغر که باشد دستگیرم
بر آی ای آفتاب صبح امید **** که در دست شب هجران اسیرم
به فریادم رس ای پیر خرابات **** به یک جرعه جوانم کن که پیرم
به گیسوی تو خوردم دوش سوگند **** که من از پای تو سر بر نگیرم

✓ عَبَر یعنی اشک. «کشته‌ی اشکها» یعنی چه؟ ۱. سلام بر آن آقایی که سبک کشته شدن حضرت به وضعی بود که همه‌ی عالم برایش گریه کردند. ۲. یعنی کشته‌ای که همه جور اشکی برایش ریخته شده است. یک قسم اشک تلخ است (اشک غم و حسرت)، یک قسم اشک شیرین است (اشک اشتیاق و محبت). ۳. یعنی اشک‌هایی که حسین علیه السلام را کشت. پدر وقتی بچه‌اش جلوی گریه می‌کند، قلبش تکان می‌خورد. از این سنخ گریه‌ها را امام حسین علیه السلام در صحنه‌های مختلف کربلا دیدند.^۱

✓ رسالت عظیم امام حسین علیه السلام برای حفظ اسلام با اشک عجین شده و این نهضت با اشک به بار می‌نشیند و نتیجه مورد نظر امام علیه السلام پدیدار می‌گردد و لذا نباید از اشک بر امام حسین علیه السلام به راحتی گذشت و آن را از اصل نهضت و هدف آن جدا نمود. حضرت سیدالشهداء علیه السلام در معرفی خود و نهضت خود می‌فرمایند: «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ»^۲؛ من کشته‌ی اشک‌های روان

^۱ حجت الاسلام حاج علی اکبری

^۲ - «أمالی الصدوق»، ص ۱۳۷، المجلس الثامن والعشرون.

هستم و این نشان می‌دهد حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) راه حل همیشگی را برای نجات اسلام در چنین فرهنگی قرار دادند که دل‌ها با آسمان معنویت همواره در انس باشند^۱

فراز دوم: توحیدی شدن زائر

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَأَبْنُ وَلِيِّكَ وَ صَفِيُّكَ وَأَبْنُ صَفِيِّكَ خدایا من به راستی شهادت می‌دهم که آن حضرت ولی (و نماینده) تو و فرزند ولی تو بود و برگزیده‌ات و فرزند برگزیده‌ات بود

✓ در زیارت اربعین با سلام به امام شروع شد و الان در محضر امام، الهی شدی و می‌توانی با نگاه توحیدی از منظر امام حسین (علیه السلام) به حق، با این کلمات معاشقه کنی. و می‌گویی «اللهم» خدایا من شهادت می‌دهم و بر سر این شهادت پایدارم و جوّ زمانه نمی‌تواند مرا عوض کند.

✓ شهادت نوعی شهود است، یعنی من می‌بینم ولایت شما عالم را فراگرفته و امروز این جمعیت میلیونی به زیارت شما می‌آیند و قلب همه در تسخیر شماست. تمام برنامه‌های کوردلان نقش بر آب شده و «امیر در میخانه شما» آری تو فرزند «ولی» خدایی که امروز به حب او همه در جوار شما آرام می‌گیرند.

✓ حسین (علیه السلام) جان هم شما و هم پدرتان برگزیده برای کاری خاص در عالم هستید، که همه انبیاء و اولیاء آرزوی آن را در سینه داشته‌اند. تنها تو می‌توانستی عشق به حق را به نمایش در بیاوری، و برای محبوب همه وجود خود را فدا کنی، تا امروز همه به عشق شما بستر ظهور فرزندان را فراهم نمایند.

صحبت حور نخواهم که بود عین قصور **** با خیال تو اگر با دگری پردازم
مرغ سان از قفس خاک هوایی گشتم **** به هوایی که مگر صید کند شهبازم
ماجرای دل خون گشته نگویم با کس **** زان که جز تیغ غمت نیست کسی دمسازم

الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمَتُهُ بِالشَّهَادَةِ (خدایا شهادت می‌دهم) که کامیاب شد به بزرگداشت تو، گرامیش کردی به وسیله شهادت

✓ خدایا حسین (علیه السلام) کسی است که به کرامت تو نایل شده. کرامت در مقابل دنائت، ذلت و خواری است. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید: «کسی که قبل از سؤال می‌بخشد کریم است»^۱. «حوادث

۱ - در باره‌ی جایگاه اشک بر امام حسین (علیه السلام) به کتاب «زیارت عاشورا» به بحث «جایگاه اشک برای امام حسین (علیه السلام)» رجوع فرمائید.

ناگوار در روح کریم اثر نمی‌گذارد»^۲ یا فرمودند: «کرامتهای نفسانی با کراستها و رنجها حاصل می‌شود، نه با آسایش و آسودگی خاطر» آری عالترین رستگاری و فوز عظیم که خداوند به مجاهدان عنایت می‌کند، در تو نمایش پیدا کرده و من شاهد آن هستم (شهادت می‌دهم). آری کرامت تو در تحمل مصائبی است که آسمانها و زمین برایش سخت بود و هم ظهور کرامت در این است که، به زائرت قبل از درخواست حاجتش نظر می‌کنی و ما حضور خود در زیارت اربعین را کشش وجودی تو می‌دانیم. اما با این همه کرامتی بالاتر از شهادت برای تو نیست.

✓ با تمام عزت و احترامی که برای ایشان قائل بودی ولی به وسیله شهادت به او عزت بخشیدی. خدایا ما شهادت امام علیه السلام را هدیه و اکرام تو می‌دانیم. یزیدیان تصور می‌کنند که قدرت‌نمایی کرده‌اند، ولی خداوند از طریق شهادت تو ذلت شان را نشان داد و رسوایشان نمود. آری اگر زینب و خیم حسین علیه السلام این کرامت را نمی‌دیدند، مسلّم از فرط مصیبت، قالب تهی می‌کردند. خدایا! تو امام را اکرام کردی که به مقام شهادت رساندی.

✓ امام بزرگوار ما که شاگرد مکتب حسین علیه السلام هستیم می‌فرماید: «شکستن فرهنگ شرق و غرب بدون شهادت میسر نیست»، این بینش را مقایسه کنید با بینش کسی که می‌گوید اگر در مقابل آمریکا ایستادگی کنیم، ضرر می‌کنیم و دنیا برای ما ارزش قائل نمی‌شود. بزرگ‌نمایی قدرت آمریکا برای کسی است که حسین ندارد.

✓ شهادت فنا شدن انسان برای نیل به سرچشمه نور و نزدیک شدن به هستی مطلق است. شهادت عشق به وصال محبوب و معشوق در زیباترین شکل است. چنین مرگی است که به تعبیر پیامبر صلی الله علیه و آله شریفترین و بالاترین نوع مردن است *أَشْرَفُ الْمَوْتِ قَتْلُ الشَّهَادَةِ* و حضرت علی علیه السلام آن را گرامی‌ترین نوع مردن می‌داند. *أَكْرَمُ الْمَوْتِ الْقَتْلُ*. آری باید به حضرت قاسم علیه السلام اقتدا نمود و شهادت را «أَحْلَى مِنَ الْعَسَل» دید.

✓ آری آنانکه این کرامت را می‌شناسند، چیزی جز شهادت طلب نمی‌کنند نگاهی به پیام شهدا بینداز تا زیارت اربعین بوی حرکت حسینی بگیرد: (آوینی): شهادت قلبی است که خون حیات را در شریان‌های سپاه حق می‌دواند و آن را زنده نگه می‌دارد. (چمران) ای حسین علیه السلام، من برای زنده ماندن تلاش نمی‌کنم و از مرگ نمی‌هراسم، بلکه به شهادت دل بسته‌ام و از همه چیز دست شسته‌ام، ولی نمی‌توانم بپذیرم

^۱ آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الحکم، ج ۱، ص ۳۶۵، چاپ دانشگاه.

^۲ همان، ج ۲، ص ۱.

که ارزشهای الهی و حتی قداست انقلاب بازیچه دست سیاستمداران و تجار ماده پرست شده است. (همت):
 شهادت، زیباترین، بالنده‌ترین و نغزترین کلام در تاریخ بشریت است، شهادت بهترین و روشن‌ترین معنی حقیقت
 توحید است و تاریخ تشیع خونین‌ترین و گویاترین تابلو نمایانگر شکوه و عظمت شهید است (بهشتی): شهادت در
 راه آرمان الهی «معشوق» ماست، آیا شنیده‌ای عاشقی را از معشوق بترسانند. (احمدزاده): احساس می‌کنم
 انشاالله شاهد زیبایی شهادت باشم و آن را تنگ در آغوش بکشم، و این بزرگترین آرزوی من است این راه انتخابی
 آگاهانه است و انسان را به سوی معشوق ازلی راهنمایی می‌کند.

✓ إلهی انظر إلیّ نظرَ مَنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ: خدایا شهدا چگونه با تو مناجات کردند که جوابشان را
 دادی ما را در زیارت اربعین همان گونه نگاه کن که به شهدا نظر انداختی تا به شعف کرامت یعنی
 شهادت برسیم.

وَ حَبْوَتُهُ بِالسَّعَادَةِ وَأَجْتَبَيْتَهُ بِطِيبِ الْوَلَادَةِ و مخصوصش داشتی به سعادت و برگزیدی او را به
 پاکزادی

✓ حُبِّي وَ حَبِي: جامه یا دستار یا هر آنچه با آن خود را بپيچند. و به معنی هدیه و عطاء بی منت نیز
 هست. یعنی خدایا تو، همه وجود حسین (علیه السلام) را با سعادت در بر گرفتی و حسین (علیه السلام) را نمونه حقیقی
 سعادت کردی تا حجت بر همه تمام شود و بدانند: بجز راه او سعادت و وجود ندارد. آری با بخشش
 بدون منت او را شکوفا کردی و به ثمر رساندی تا کسی در زندگی خود بی مقصد نماند.

✓ سعادت حقیقی وقتی حاصل می‌شود که تمام استعدادهای انسانی، بالاخص استعدادهای عالی
 وجود وی، از قوه به فعلیت برسد^۱. امام صادق (علیه السلام): «سعادت وسیله خیری است که سعادت‌مند به
 کمک آن به رستگاری رهنمون می‌شود.»^۲ آری کسی که بخواهد به سعادت برسد باید قطب و قبله
 سعادت نظر کند که همه در امام حسین (علیه السلام) جمع شده و او نیز به طریق حق بدون منت به انسان
 می‌دهد، ولی این غفلت بشری از کجاست که این نور را نمی‌خواهد؟!۱

مرا به رندی و عشق آن فضول عیب کند **** که اعتراض بر اسرار علم غیب کند

کلید گنج سعادت قبول اهل دل است **** مباد کس که در این نکته شک و ریب کند

^۱ استاد مطهری، مقالات فلسفی، نشر صدرا، ۱۳۷۵ ش، ص ۹۶

^۲ بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۸۴.

✓ بعد از آن که حضرت ابراهیم علیه السلام از خدا شنیدند «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»؛ من تو را امام مردم قرار دادم «قَالَ الْخَلِيلُ سُورًا بِهَا»؛ حضرت در حالی که از این مدد الهی خیلی نشاط پیدا کرده بودند عرض کردند: «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي، قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» یعنی این امامت به ذریه ای می رسد که، هیچ جنبه ی ظلمی نداشته باشند که همان مقام عصمت است. محی الدین بن عربی در فصوص الحکم بابی را در مورد حضرت مهدی علیه السلام باز می کند که قابل توجه است، مبنی بر این که برای پذیرش نور رسول خدا صلی الله علیه و آله باید کاملاً شرایط فراهم باشد. و لذا مهدی امت علاوه بر این که باید در قلب و عقل با رسول خدا صلی الله علیه و آله هماهنگ باشد، باید از نظر زمینه ی جسمی و گِل نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد، پس باید مهدی امت از جهت جسمی نیز از نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد تا شرایط پذیرش و انتقال به طور کامل فراهم شود.^۱ در این فراز دعای اربعین اشاره می کنی خدایا شهادت می دهم امام حسین علیه السلام را از نسل پاکان خودت برگزیدی.

وَ جَعَلَتْهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَ قَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ وَ ذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ

و قرارش دادی یکی از آقایان (بزرگ) و از رهروان پیشرو و یکی از کسانی که از حق دفاع کردند

✓ جعل و قرار دادن و تعیین امام از جانب توست. در این فراز به همه اهل بیت نظر داری که امام حسین علیه السلام همان سروری و رهبری و دفاع از دین را بر عهده داشت. خدایا تمام خوبی ها را برای ائمه علیهم السلام قرار دادی و این ها را گلچین کردی. آری همه سروری و رهبری و دفاع از دین تماماً در تو نمایش یافته

✓ ذَائِد: یعنی حمایت کننده ، دفاع کننده ، یاریگر. حسین علیه السلام جان! تو برتر از همه خون قلبت را برای یاری دین دادی ، سر بریده ات نیز دین را یاری کرد و آنان که گرفتار مادی گری بودند، ندا دادی: ماوراء حیات دنیایی حیات دیگری نیز هست. آری تو حق سرویت ، رهبریت و یاریت را خوب اداء کردی و امروز همه با نظر به تو راه یاری دین را در نصرت انقلاب و رهبری می دانند تا گرفتار ظلمات مادی زده آخرالزمان نشوند.

وَاعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ و میراث های پیمبران را به او دادی

^۱ امام در تکوین و تشریع استاد طاهرزاده

✓ خدایا تو ارث انبیاء را به امام دادی و ما هم با وجود این همه تبلیغات و رعب و وحشت، از حسین علیه السلام دل نمی‌کنیم و جرأت دفاع از او را در جان خود داریم، کربلا مکتب ادامه چنین جرأت و شجاعت است.

✓ خدای متعال از خود به عنوان وارث آسمان و زمین و هر آن چه در آن ها است یاد می‌کند: «إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ»^۱؛ ارث بردن خدا نه اینکه چیزی به او برسد، بلکه همه چیز از اوست. پس وارث انبیاء نه اینکه از پیامبران ارثی به او رسیده بلکه همه پیامبران از وجود تو ارث هایی برده‌اند. و برای آنکه تورا با عظمت نورت ببینیم باید به پیامبران که هر کدام جلوه از نور تورا داشته‌اند نظر کنیم.

✓ در روایت داریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با صدای بلند فریاد زدند: «يَا عِبَادَ اللَّهِ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي جَلَالَتِهِ، وَإِلَى شَيْثٍ فِي حِكْمَتِهِ، وَإِلَى إِدْرِيسَ فِي نَبَاهَتِهِ وَ مَهَابَتِهِ، وَإِلَى نُوحٍ فِي شُكْرِهِ لِرَبِّهِ وَ عِبَادَتِهِ، وَإِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي خُلَّتِهِ وَ وِفَائِهِ، وَإِلَى مُوسَى فِي بُغْضِ كُلِّ عَدُوٍّ لِلَّهِ وَ مُنَابَذَتِهِ، وَإِلَى عِيسَى فِي حُبِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ حُسْنِ مُعَاشَرَتِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ هَذَا» کسی که دوست دارد به آدم علیه السلام در جلالتش، به شیث علیه السلام در حکمتش، به ادریس علیه السلام در نام آوری و هیبتش، به نوح علیه السلام در شکرگذاری و عبادتش، به ابراهیم علیه السلام در وفاداری و دوستی اش با خداوند، به موسی علیه السلام در بغض و کینه اش از تمام دشمنان خداوند و دوری از آن‌ها، به عیسی علیه السلام در دوستی مؤمنان و معاشرت با آنان نگاه کند، پس به علی بن ابی طالب علیه السلام بنگرد.^۲

وَ جَعَلَتْهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ و از اوصیائی که حجت تو بر خلقت هستند قرارش دادی

✓ خدایا هنوز هم امام حسین علیه السلام را حق می‌دانیم، و می‌گوییم: ای امام، تو با دعوتی که کردی، حجت را برای بشریت تمام نمودی. آن‌هایی که پیروزی علی علیه السلام بر معاویه و پیروزی حسین علیه السلام بر یزید را نمی‌بینند، معلوم نیست کجا زندگی می‌کنند و چه می‌بینند! معلوم نیست مرز حیات خود را تا کجا تعیین کرده‌اند!

^۱ سوره مریم، آیه ۴۰

^۲ بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۴۱۹

✓ امروز برای نجات بشریت از سیطره روح روم زده (غرب) راهی غیر از راهی که امام حسین علیه السلام در کربلا گشود وجود ندارد. آری حسین جان: با کربلایت حجت حق را تمام کردی تا گرفتاران روم زده دیروز (بنی امیه) و امروز (غرب) دیگر ادعایی نداشته باشند.

✓ خداوند در سوره نساء آیه 97 می فرماید: إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا کسانی که با پشت سر افکندن معارف الهی و احکام دین بر خود ستم کرده اند ، هنگامی که فرشتگان جانشان را می گیرند به آنان می گویند : در چه حال بودید ؟ چرا به دین الهی پای بند نبودید ؟ می گویند : ما در این سرزمین تحت سیطره کفر و شرک ناتوان شمرده شده بودیم . فرشتگان می گویند : مگر زمین خدا گسترده نبود که در آن هجرت کنید و به سرزمینی بروید که بتوانید دین خود را نگه دارید ؟ ازاین رو آنان جایگاهشان دوزخ است و آن بدباز گشتگاهی است. آری مگر خدا «ارض کربلا» قرار نداد تا راه نجات از گرفتاری های زمانه را به تو متذکر شود؟ آیا امروز نمی توانی در هر جا که هستی به حسین علیه السلام نظر بیندازی و ارضت را کربلا کنی؟

فراز سوم: کاری که حسین علیه السلام در کربلا کرد

فَاعْذِرْ فِي الدَّعَاءِ وَ مَنْحِ النُّصْحَ

او نیز در دعوت مردم جای عذر و بهانه‌ای (برای کسی) نگذارد و بی دریغ خیرخواهی کرد

✓ برای محقق شدن وعده الهی در نصرت دین، نباید جریان حق و باطل مخلوط باشند و کسی از سر نادانی و تبلیغات در جبهه باطل قرار بگیرد. در این راه امام علیه السلام تمام تلاش شان را نمودند تا با خطبه‌های مختلف و دعوت‌های گوناگون دعوت خود را به نهایت برسانند. آری باید حجت تمام شود و جای عذری برای کسی باقی نماند.

✓ از حضرت امام سجاد علیه السلام روایت شده است که در روز عاشورا پس از حرکت سپاه دشمن به سوی خیمه‌ها، امام حسین علیه السلام شتر خود را خواست و بر آن سوار شد و فریاد زد: «ای مردم سخن مرا بشنوید و عجله نکنید تا شما را بدانچه حق شما بر من است موعظه کنم و آمدنم به اینجا را موجه سازم. اگر عذر مرا پذیرفتید و توجیهم را قبول کردید و انصاف را در مورد رعایت کردید با این کارتان خوشبخت خواهید شد و برای شما بر من راه تجاوز بسته خواهد شد و اگر عذر مرا نپذیرفتید و انصافم ندادید: «فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَ شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُون»^۱: پس [در] کارتان با شریکان خود همدستان شوید، تا کارتان بر شما ملتبس ننماید سپس درباره من تصمیم بگیرید و مهلتم ندهید.» «إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهِ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ»^۲ بی تردید، سرور من آن خدایی است که قرآن را فرو فرستاده، و همو دوستدار شایستگان است.

✓ واژه «مَنْحَ» به معنی عطا و بخشش و «نُصْحَ» به معنی خلوص تمام و نزاهت از هر شائبه و ناخالصی است. از این بخش نورانی زیارت چنین بر می آید که امام نه تنها در اندیشه و قول و فعل خویش از هر شائبه آلوده کننده‌ای پیراسته است بلکه با یکرنگی و خلوص خیرخواه امت است و جز به خیر و صلاح آنان نیندیشده، سخن نگفت و کار نکرد.

✓ آری اگر می‌خواهی بدانی حسین در کربلا چه کرد این آیات سوره هود را با چشم کربلا بخوان تا صورت عینی آیات را در کربلا ببایی: وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٣٤﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيَّ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَجْرُمُونَ ﴿٣٥﴾ وَأَوْحِي إِلَى نُوْحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا

^۱ سوره یونس، آیه ۷۱

^۲ سوره اعراف، آیه ۱۹۶

يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾ وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٣٧﴾ وَيَصْنَعِ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ ﴿٣٨﴾ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ ﴿٣٩﴾ وَقَالَ ازْكُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٤١﴾

وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ و جان خود را در راه تو داد تا برهاند بندگانت را از (گرداب) جهالت و نادانی و سرگردانی (در وادی) گمراهی

✓ همه اهل بیت علیهم السلام این وظیفه را به عهده داشتند و با تدریس، ارشاد، سخنرانی و نوشتن نامه به وظیفه خود عمل می کردند؛ ولی سیدالشهدا علیه السلام افزون بر کارهای یاد شده، به سبب یأس از تأثیر اساسی این ابزار در شرایطی قرار گرفت که خون جگر خود را نیز برای نیل به هدف اعطا کرد. تنها آن حضرت علیه السلام بود که هم مبارزه فرهنگی و سیاسی و اجتهادی داشت، هم نبرد جهادی.

✓ ای امام! تو با نصیحت‌هایت به بشریت بخشش‌ها کردی و راه زندگی را به آن‌ها نشان دادی. شما خون جانت را بذل کردی تا راه نجات را به بشریت یاد دهی و او را از سرگردانی و گمراهی و جهالت نجات دادی و بشریت تا ابد فهمید که چگونه زندگی کند و چگونه بمیرد و هرگز سرگردان و حیران نماند؟ آیا باز ما دشمن تو را پیروز بدانیم، یا او شکست‌خورده‌ترین مغلوبان تاریخ است؟

✓ گم‌شدنی بالاتر از این نیست که معنی زندگی از دست برود، وقتی ما به حکمت حسینی وفادار ماندیم فوق روزمرگی‌ها خواهیم شد و آن‌وقت در واقع به خود واقعی دست یافته‌ایم و این کار رسیدن به دروازه هدایت است.

✓ امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس بمیرد در حالی که امامش را نمی‌شناسد، به مرگ جاهلیت مرده است». سپس فرمود: «پس بر شما باد به اطاعت و پیروی... کرامت‌ها و برگزیده‌های قرآن از آن ماست و ماییم گروهی که خداوند اطاعت آنها را واجب گردانیده است. ^۱ از طرفی فرمودند «اللهم اعرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی». آری شناختن امام جهالت و گمراهی است. تمام کربلا نمایش امام برای بشریت است و هدف امام رساندن انسان‌ها به هدف حیات زمینی است که در صورت امام‌نمایش پیدا کرده است.

فراز چهارم: دلیل انحراف جبهه مقابل امام

وَ قَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْضِ الذُّلِّيَّةِ

و چنان شد که همدست شدند بر علیه آن حضرت کسانی که دنیا فریبشان داد. و فروختند بهره (کامل و سعادت خود را) به بهای پست ناچیزی

✓ توازر به معنی پشت به پشت هم دادن. آری اگر انسان فریب زندگی دنیایی را خورد، همه عمر خود را به بی ارزشترین و وهمی ترین مسائل می گذراند و گاهی ناخواسته با کسانی متحد می شود که روزی اصلاً فکرش را هم نمی کرد.

✓ بهره واقعی زندگی دنیایی معاشقه با حق و یاری کردن امام حق است ولی این ها نتوانستند از این زندگی دنیایی بهره واقعی ببرند، دشمنان امام گوهر انسانی خود را از دست داده بودند که نتوانستند الهی زندگی کنند، فراخنای وجود امام را نفهمیدند، چون شخصیت آن ها با تنگی و تنگ نظری وجود یزید مناسبت یافته بود.

✓ چیزی که انسان را در برابر خدای متعال و حجت الهی قرار می دهد، دنیا است؛ به هر اندازه ای که باشد. دنیا بین انسان و ولی خدا فاصله درست می کند، سپس این فاصله را زیاد می کند. بعد به تدریج کار را به جایی می کشاند که انسان در برابر ولی خدا قرار بگیرد و در کنار دشمنان خدا جای گیرد. تمام جوهر زندگی و حیات دشمنان خدا در عبارت «غَرَّتْهُ الدُّنْيَا» خلاصه می شود؛ لذا دنیا انسان را به دشمنان خدا وصل می کند و از امام جدا می شود.

✓ خداوند در سوره احزاب خطاب به زنان پیامبر ﷺ می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ إِن كُنتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً» ظاهراً بعضی از زنان رسول خدا ﷺ عملی نموده اند که حاکی از نارضایتی آنها از زندگی مادیشان بوده و خداوند این آیات را فرستاده و به پیامبر ﷺ امر نموده تا آنها را میان ماندن و رفتن مخیر کند و بگوید اگر حیات دنیا و زینت آن را می خواهید بیایید تابهره ای به شما بدهم و رهایتان کنم و اگر خدا و رسول و آخرت را می طلبید، باید با همین وضع موجود بسازید و بدانید که در آخرت اجری بزرگ و عظیم خواهید داشت.

✓ آری دنیا عامل جدایی از ولی خداست و آنان که حسین ﷺ را انتخاب میکنند ماوراء حیات دنیایی افقی را می شناسند که راحت از مال دنیا می گذرند. آری در اربعین عاشقان حسین ﷺ چه زیبا جدایشان از دنیا محقق می گردد. تمدن غرب و افق آن چیزی جز جمع ثروت و ولع و حرص

دنیای بیشتر نیست و ما با امام حسینی علیه السلام در اربعین عهد می بندیم که همه دنیا را برای رسیدن به معشوقش رها نمود.

و شَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالْثَمَنِ الْأَوْكَسِ وَ تَغَطَّرَسَ وَ تَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ نَبِيَّكَ

و فروخت آخرتش را در مقابل بهائی اندک، و بی مقدار و بزرگی کردند و خود را در چاه هوا و هوس سرنگون کردند، و تو و پیامبرت را به خشم آوردند

✓ واژه غطرس به معنی ستمکار متکبر. غَطَّرَسَهُ بِالشَّيْءِ: از آن چیز در شگفتی قرار گرفت. تردد فی الأثر: دچار دودلی و سرگردانی شد. تردی: سقوط کردن در چاه. اوكس به معنی: مالی که ماندگار نباشد و هنوز به دست نیامده.

✓ آری آنان که شیفته زندگی دنیایی شوند مداوم هوای نفس آنان را شیفته و مُردد در دنیا می کند. نمی گذارد به راحتی از آن خارج شود و به چیزی دل خوش می کنند که ماندگار نیست. منشأ ددمنشی منکران رسالت و دشمنان نبوت، حب دنیا و شیدایی زرق و برق آن بود و عامل مهم توحش منکران ولایت و دشمنان امامت نیز همان غَطَّرَسَهُ دنیا و دل باختگی به آن بود.

✓ جبهه مقابل اباعبدالله علیه السلام در عین این که انسان های هوس بازی بودند، جبهه ای است که خشم تو را ای خدا و خشم پیامبرت صلی الله علیه و آله را بر خود روا داشتند. از طریق این جملات است که انسان جبهه خودی را از جبهه غیر خودی در جامعه از هم جدا می کند تا یزیدیان تبلیغ نکنند که ما خودی و غیر خودی نداریم.

✓ فراموشی انسان نسبت به حیات ابدی بزرگترین عامل انحراف انسان در زندگی زمینی است. آری بر عکس جبهه عمر سعد جبهه حسین علیه السلام زیباترین نمایش معامله در دنیاست: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِالَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»^۱ خداوند از مؤمنان، جان ها و اموالشان را خریداری کرده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد؛ (به این گونه که:) در راه خدا پیکار می کنند، می کشند و کشته می شوند؛ این وعده حقی است بر او، که در تورات و انجیل و قرآن ذکر فرموده؛ و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟! اکنون بشارت باد بر

شما، به داد و ستدی که با خدا کرده اید؛ و این است آن پیروزی بزرگ. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ * تَوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ^۱

وَ اطَّاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالنِّفَاقِ وَ حَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ

و پیروی کردند از میان بندگان آنانی را که اهل دو دستگی و نفاق بودند و کسانی را که بارهای سنگین گناه به دوش می کشیدند. و بدین جهت مستوجب دوزخ گشته بودند

✓ گرایش به دنیا انسان را به مسیری منتهی می کند که چشم باز می کند، خود را در زیر علم اهل نفاق و اهل آتش پیدا می کند. عهد ما با اربعین حسین (علیه السلام) عهدی است که می خواهیم افق دیگری را برای زندگی به صحنه بیاوریم. آری با نظر به کربلاست که چرایی خروج عده ای از فضای بندگی مشخص می شود. در زیارت اربعین فریاد میزنیم که نبرد اصلی حسین (علیه السلام) با منافقین که بنی امیه و حزب آن (یا شیعة آل ابی سفیان) بوده است، و بدان درگیری انقلاب به دلباختگان فرهنگ غربی است. شهید آوینی می گوید: خلاف آنچه بسیاری می پندارند، آخرین مقاتله ما _ به مثابه سپاه عدالت _ نه با دموکراسی غرب که با اسلام آمریکایی است، که اسلام آمریکایی از خود آمریکا دیر پاتر است.

✓ اگر ارتباط انسان با خدا ضعیف شد ارتباطش با دنیا قوی می شود. در این حالت جای دین در جان انسان به مرور تنگ و تنگتر می گردد تا آنجا که دین خدا را هم دنیایی و مادی می کند و به جای آن که خود را در خدمت راهنمایی های دین قرار دهد، دین را در خدمت امیال خود قرار می دهد. وقتی دین دنیایی شد دیگر آن استفاده ای را که بشر می تواند از دین ببرد، نمی برد و از آن سرگردانی و یاسی که به وسیله ی دین می تواند آزاد شود محروم می ماند و در عین دینداری با انواع یأس ها و افسردگی ها و سرگردانی ها دست و پنجه نرم می کند.

✓ پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و با حذف شدن اهل البیت (علیهم السلام) مسیر دین به سوی مادی شدن سیر کرد و این مشکلی شد که جامعه ی اسلامی هنوز گرفتار آن است.. وقتی بشر از دین حقیقی که منجر به

رشد بندگی او می شود، محروم شد و بینش مادی بر روح جامعه حاکم گشت مکاتبی مثل اومانیسم و لیبرالیسم به جای دین می نشینند.

✓ قرآن با صراحت تمام اعلام می کند که بینش پست مادی یهود و نصاری دین شما را ضایع می کند، زیرا اگر مسلمانان به یهود و نصاری نزدیک شوند بینش مادی آن فکر و فرهنگ آن ها را تحت تأثیر قرار می دهد و در نتیجه نه تنها فرهنگ آن ها وارد زندگی مسلمانان خواهد شد، بلکه نگاه به امور معنوی و غیبی از منظر جامعه ی اسلامی رخت برمی بندد.^۱

✓ سرنوشت تبعیت نکردن از حق و دنیا گرایی را خداوند در سوره محمد ﷺ می فرماید: فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ.... ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ

فَجَاهِدْهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَاسْتِيحَ حَرِيمُهُ آن حضرت (که چنان دید) با شکیبائی و پاداش جوئی با آنها جهاد کرد. تا خونس در راه پیروی تو ریخت و حریم مقدسش شکسته شد.

✓ حضرت هم در راه خدا با آنها جهاد کرد و از این خون دادن نهراسید تا برای همیشه معنی زندگی را بفهماند. و بشریت بفهمند در منطق سفاکان «بی گناهی کم گناهی نیست» ولی آن هایی که پایداری بر پاکی را پیشه کرده اند، حاضرند برای حفظ حریم آن پاکی، از خون خویش مایه بگذارند.

✓ صابراً محتسباً در اکثر زیارات معصومین علیهم السلام و یاران خاص آنان همچون حضرت عباس علیه السلام و مسلم علیه السلام و سلمان علیه السلام آمده و مشخص می کند صبر شیعه، صبر بی حساب نیست و بنا دارند با صبر خود معادلات جهان را عوض کنند. آری صبر انقلاب و مسئولین دلسوز آن صبری برای برپایی اسلام ناب در عالم است.

✓ آری برای محقق کردن راه رجوع به عهد بندگی باید خون داد و آمادگی آن را داشت که حریم انسان مباح شمرده شود و جسارت ها و... شروع شود (واستیح حريمه). کجاست آن امام عزیزی ^⑥ که با نظر به امام حسین علیه السلام می دانست پای حق ایستادن و صبر بر آن چه مصیبت هایی که ندارد و در آخرین پیام رسمی خود در ۶۸/۱/۲ فرمود: «مگر بیش از این است که فرزندان عزیز اسلام ناب

^۱ برگرفته خطر مادی شدن دین استاد طاهرزاده

محمدی ﷺ در سراسر جهان بر چوبه‌های دار می‌روند؟ مگر بیش از این است که زنان و فرزندان خردسال حزب‌الله در جهان به اسارت گرفته می‌شوند؟ بگذار دنیای پست مادیت با ما چنین کند، ولی ما به وظیفه اسلامی خود عمل کنیم.»

اللَّهُمَّ فَالْعَنَهُمْ لَعْنًا وَبِلَاءً وَ عَذَّبَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

خدایا آنان را لعنت کن به لعنتی وبال دار و عذابشان کن به عذابی دردناک

✓ لعن دشمنان همان بغضیست که نشانه ایمان است، و این دشمن شناسی باید به روز باشد، نمیشود هم مومن بود هم با دشمنان خوب بود.

✓ این لعنت‌ها دل ما را زنده و بیدار نگه می‌دارد و جهت می‌دهد و آن را از علاقه‌مندی‌های پوچ می‌رهاند. دلی که تماماً از کفر تنفر پیدا نکرده و هنوز ذره‌ای محبت نسبت به کفر دارد نمی‌تواند نجات پیدا کند و بصیرتی را که لازمه سعادت اوست نمی‌تواند به دست آورد. چرا که شیطان از دریچه همین محبت به کفر در دل انسان نفوذ می‌کند. امروز هم اگر لعنت به فرهنگ و روش جهانی یعنی آمریکا نداشته باشید، نجات پیدا نمی‌کنید.

✓ علت این که آدم توسط شیطان اغفال شد، فراموشی دشمنی دشمن - یعنی دشمنی شیطان - بود، چرا که دشمن هم مثل دوست حرف می‌زند، و حرف‌هایی هم می‌زند که می‌داند ما با آن حرف‌ها نرم می‌شویم و اگر ما دشمنی او را فراموش کنیم حرف‌های او را می‌پذیریم.

فراز پنجم: رویت زائر در شهادت به امام

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند آقای اوصیاء

✓ این ارادت‌ها بعد از آن لعن و تنفر خیلی مؤثر است. قلبی که بتواند به اباعبدالله ﷺ دل ببندد نجات پیدا می‌کند. دل سالم دلی است که قطب داشته باشد، تا با توجه قلبی به آن قطب معصوم، خود را همواره سرپا و زنده نگهدارد، ارادت به امام معصوم شهید مظلوم آزاده‌ای چون امام حسین ﷺ در سراسر وجود ما یک بعثت و انگیزش به سوی خوبی‌ها ایجاد می‌کند و افق روح را به سوی عالی‌ترین انگیزه حیات متوجه می‌کند

✓ آری حسین جان: تو فرزند رسول خدایی ﷺ که خاتم پیامبران است و فرزند علی علیه السلام هستی که تمام وصایت ها را داراست.

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَأَبْنُ أَمِينِهِ عِشْتَ سَعِيداً وَ مَضَيْتَ حَمِيداً وَ مِتَّ فَقِيداً
مَظْلُوماً شَهِيداً شَهِادَتِ دَهْمِ که به راستی تو امانتدار خدا و فرزند امانتدار اویی سعادتمند زیستی و ستوده از دنیا رفتی و گمگشته و ستمدیده و شهید در گذشتی

✓ انسان کامل و بزرگ ترین امانتدار خدا در سراسر کره زمین در همه اعصار و قرون است. «امین» به کسی گفته می شود که مورد اطمینان و مصون از خیانت باشد. امین الله! در وحی امین، در افکار الهی امین، در بیت المال، در مقام و... امین هستید. صاحب آن دارای مرتبه اعلای ایمان و یقین و اطمینان است؛ به گونه ای که از دستبرد هوای نفس و شیطان، محفوظ است. زائر اگر توجه به مقام امن حضرت داشته باشد، ارتباط روحی خود را با حقیقت ایشان برقرار نموده است.

✓ در این زیارت می گوید ای اباعبدالله علیه السلام! شما امین خدایید، آنچه حق است پیش شماست و شما حق را برای ما آوردید. و سپس به سه نکته اشاره می کنید که اولاً؛ شما خوب زندگی کردید و نمونه خوب زندگی کردن بودید. ثانیاً؛ مرگتان یک مرگ خیلی حمید و پسندیده بود. چراکه حکمت حسینی از بحث های بسیار عمیق است، امام حسین علیه السلام نهضت شان را خیلی حکیمانه سیر دادند و این کار بسیار سخت و زیبا بود ولی حضرت انجام دادند. ^۱ ثالثاً؛ مردن شما مردن عجیبی بود

وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ وَ مُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَ مُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ وَ نِزْ
شهادت می دهم که خدا به راستی وفا کند بدان وعده ای که به تو داده، و به هلاکت رساند هر که را که دست از یاریت برداشت و عذاب کند کسی که تو را کشت

✓ یزیدیان فکر کردند وقتی بدن مطهر تو از منظر انسان ها گم شد، دیگر همه چیز گم می شود، و نفهمیدند تو در صحنه کربلا نمایش حق بودی، و حق هیچ وقت گم نمی شود، و هر کس عمل حق انجام داد، همچون حق می ماند و برعکس آنهایی که در مقابله با حق پایه های خود را محکم می کردند به باطل تکیه زده بودند و باطل هم رفتنی است و «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ ذَهُوْقًا»

^۱ برای معرفت بیشتر کتاب راز شادی امام حسین اثر استاد طاهرزاده رجوع نمایید

✓ زیارت اربعین پیام جاودانگی حماسه عاشورا است و این در حقیقت حکایتگر یک پیام غیبی و تحقق وعده الهی است که حضرت زینب علیها السلام، نیز در خطبه‌ای که در مجلس یزید قرائت کرد، به آن اشاره نمود. «كَذْ كَيْدِكَ وَ اسْعَ سَعْيِكَ، نَاصِبُ جَهْدِكَ، فَوَاللَّهِ لَا تَمْحُو ذِكْرَنَا وَلَا تُمِيتُ وَحْيَنَا وَلَا تُدْرِكُ أَمْرَنَا وَلَا تَدْحُضُ عَنْكَ عَارَهَا وَهَلْ رَأَيْكَ إِلَّا فَنَدٌ؟ وَ أَيُّمُكَ إِلَّا عَدَدٌ؟ وَ جَمْعُكَ إِلَّا بَدَدٌ؟ يَوْمَ يَنَادِي الْمُنَادِي: أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ»^۱ ای یزید! هر نیرنگی که خواهی بزن، و هر اقدامی که توانی بکن و هر کوشش که داری، دریغ مدار! سوگند به خدا که نمی‌توانی نام ما را محو کنی و نمی‌توانی نور وحی ما را خاموش نمایی. تو نمی‌توانی عظمت امر ما را درک کنی و ننگ این ستم را هرگز از خود نتوانی زدود! آیا غیر از این است که رأی، [طرح و نقشه‌های] تو سست و مدت حکومت تو اندک و جمعیت تو پراکنده است؟ آنروزی که منادی فریاد می‌زند: آگاه باشید، لعنت خدا بر گروه ستمکاران باد

ای که در کرب و بلا بی کس و یاور گشتی *** چشم بگشا و ببین خلق جهان یاور توست

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَّيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ و شهادت می‌دهم که تو به خوبی به عهد خدا وفا کردی

✓ کربلا یعنی وفاداری به عهد محمدی صلی الله علیه و آله. یزید کاری کرده بود که حتی صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله به امام حسین علیه السلام نصیحت می‌کردند که دوره و عهد پیامبر صلی الله علیه و آله گذشته است و دیگر نمی‌توان کاری کرد. ولی آن‌ها که اربعین شناس هستند می‌گویند: دوره و عهد الهی هیچ‌وقت نمی‌گذرد و نمونه‌اش همین حرکت میلیونی مردم اظهار ارادت و وفای به امام حسین علیه السلام است، نه یزید.

✓ قلب من و شما یک بُعد غیبی عالم است، امام حسین علیه السلام همان‌طور که در قلب ما حاضر است در عالم غیب - که قلب عالم ماده است - هم حاضر است. حالا ببینید چگونه امام در عالم هستی حی و حاضرند.

^۱ بحارالانوار، ج ۴۵ / ص ۱۳۵ و "اللّهوف"، صفحه ۷۷.

و جَاهِدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّىٰ آتَيْكَ الْيَقِينَ^۱ و جهاد کردی در راه او تا مرگت فرا رسید

✓ در وفای به عهد الهی از هیچ مجاهده و مبارزه‌ای در راه خدا از پای ننشستی حَتَّىٰ تا انتهای عمر و تا آن مرحله که با مرگ روبه‌رو شدی

✓ موارد مختلفی از گذشت داریم که ظهور جهاد فی سبیل الله است. گذشت از جان، گذشت از مال، گذشت از عنوان، گذشت از فرزندان، گذشت از همسر، گذشت از آبرو، گذشت از خواب، رفاه، و شهوت، گذشت از وطن، ثروت، گذشت از حمد و ثناء، گذشت از فامیل، گذشت از انتقام، گذشت از شکم، گذشت از سرزنش، گذشت از شکنجه و اذیت، گذشت از دوست، گذشت از دشمن، گذشت از تهمت، گذشت از هیجان‌ها، گذشت از افتخار، گذشت از فتنه‌ها و تفرقه‌ها، گذشت از نفس، گذشت از بلند پروازی و... تمام اینها هم آیه و حدیث دارد.^۱ حسین جان تو از همه چیز گذشتی تا معنی جهاد در راه خدا برایمان باز شود.

فَلَعَنَ اللَّهُ مَن قَتَلَكَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ مَن ظَلَمَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ

فَرَضِيَتْ بِهِ خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و خدا لعنت کند کسی که به تو ستم کرد و خدا لعنت کند مردمی که شنیدند جریان کشتن و ستم تو را و بدان راضی بودند.

✓ نفرت به دشمنان اباعبدالله علیه السلام همیشه باید در قلب ما زنده باشد. هر کسی همین که بشنود حسین و حسینیان کشته می‌شوند ولی نگران نشود و به این امر راضی باشد، او از رحمت خدا به دور است. دلی که حق و باطل برای او مساوی شد این دل، دل حسینی، یعنی دل سالم و قلب سلیم نیست. قلبی که نسبت به بدان و خوبان مساوی است قلب یزیدی است.

✓ از امام رضا علیه السلام نقل شده که حضرت فرمودند: « لو أَنَّ رَجُلًا قَتَلَ بِالْمَشْرِقِ فَرَضِيَّ بِقَتْلِهِ رَجُلًا بِالْمَغْرِبِ لَكَانَ الرَّاضِي عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ شَرِيكَ الْقَاتِلِ »^۲ اگر بی گناهی در مشرق کشته شود، کسی که در مغرب به قتل او راضی است، در نزد خدا شریک قاتل است و امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: « العامل بالظلم و الراضی به و المعین علیه شرکاء ثلاثه »^۳ کسی که ظلم می‌کند، و کسی که با او همکاری دارد و کسی که بدان رضایت دارد، "هرسه" شریکند.

^۱ حجت الاسلام قرائتی

^۲ عیون الاخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۷۳

^۳ الخصال، ص ۱۰۷

فرازشیم: هم عهدی با امام با توجه به مقام غیبی امام

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ يَا بَنِي أُمِّیَ يَا بَنِي

رَسُولِ اللَّهِ. خدایا من تو را شاهد می گیرم که من دوست دارم هر که او را دوست دارد و دشمنم با هر که او را دشمن دارد پدرم و مادرم به فدایت ای فرزند رسول خدا.

✓ این فراز مشخص کردن جبهه خود است، اساساً عشق به دوستان اباعبدالله (علیه السلام) و تسلیم راه و روش اباعبدالله (علیه السلام) شدن و تنفر از دشمنان آن حضرت موجب همان اتحاد روحی است که انسان به دنبال آن است می گردد.

✓ ذکر پدر و مادر بیان نمونه ای از فدا کردن عزیزان خود در راه اولیای الهی است و اختصاصی به این دو ندارد بلکه گوینده در مقام حالت روانی خودش است و گفتن این جمله نوعی اظهار ارادت است و اخبار از حالت نفسانی خویش نسبت به آنان در این غالب که من از همه محبوبهایم در محبت شما دست کشیده ام و آنان را فدای شما می کنم هر چند پدر و مادرم باشد. اظهار ارادت نمودن به اینکه من خود را مهیا کردم که در مواقع خطر خود را فدای تو نمایم. ابراز ارادت کاری می کند که، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِي اللَّهِ - حُسْرًا مَعَنَا وَ أَدْخَلْنَاهُ مَعَنَا الْجَنَّةَ»؛ هر که ما خانواده را در مسیر الهی دوست داشته باشد با ما محشور می شود و او را به همراه خود به بهشت می بریم. که این نوعی یگانگی بین مُحب و محبوب است.

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ

الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلَيِّسْكَ الْمُدْلَهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا، شهادت می دهم که تو به راستی نوری بودی در پشت پدرانی بلند مرتبه و رحم هایی پاکیزه که آلوده ات نکرد اوضاع زمان جاهلیت به آلودگی هایش و در برت نکرد از لباس های چرکینش

✓ در این فرازها متوجّه مقام غیبی و متعالی و مطهر اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می شویم، و توجّه به این مقام، یعنی توجّه به مقام بقاء آنها

✓ من شهادت می دهم که شما پایه و اساس عصمت هستید در همه حیات بشریت. شروع حیات و نطفه وجود شما از ازل به صورت نوری معنوی در عالی ترین بواطن عالم و در پرمنزلت ترین صُلب ها، و در مطهرترین رحم ها پایه گذاری شده و شما مظاهر آن انوار معنوی هستید و هرگز حیات جاهلی

غیر توحیدی ساحت مطهر شما را به آلودگی اش، آلوده نکرده است و ظواهر ظلمانی دوران جاهلیت، ظواهر شما را نپوشاند.

✓ این ها هیچ خطا و انحرافی ندارند یعنی هر روز و هر مرحله از تاریخ دُور، دُور اهل بیت است چون این ها صحت محض اند و کسی که صحت محض است دُور، دورِ اوست پس همیشه دور، دورِ محمد و آل محمد است.

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَ أَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَ مَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ،

و شهادت می دهم که به راستی تو از پایه های دین و ستون های محکم مسلمانان و پناهگاه مردمان با ایمان هستی

✓ دعائم: سند، رکن. دِعَامَةُ الْقَوْمِ: بزرگ قوم و مهتر آنان. معقل: سنگر، پناهگاه، محل امن

✓ راستی اگر مؤمنین پایه های دین خدا و اساس دین و نگهبانان ایمان خود را گم کنند، چگونه در اردوگاه دینداری می توانند استوار باشند؟ راستی اگر انسان به وسعت امامش دست نیابد، مگر می تواند در این عالم درست زندگی کند و همه جوانب انسانی خود را بارور سازد؟ این گونه اظهارات در زیارت امام، یعنی توجه به افقی که باید هر مؤمن در پیش روی خود بیابد و از آن روی برنتابد.

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمَامُ الْبَرُّ الْتَقِيُّ الرَّضِيُّ الْوَكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ،

و شهادت می دهم که تو به راستی پیشوای نیکوکار با تقوا و پسندیده و پاکیزه و راهنمای راه یافته ای

✓ روح انسان اگر معنوی شد از جو سازی روزنامه ها و رادیوهای بیگانه متأثر نمی شود و از حق فاصله نمی گیرد و در این فراز زیارت، شیعه دارد بر فراز آن همه تبلیغات که ضد اسلام و ائمه شده می گوید: تو ای امام معصوم شهید مظلوم، همه خوبی هایی که می شود در کسی سراغ داشت در تو به طور کامل هست و اظهار چنین کلماتی عین وفاداری است.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْأِيْمَةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ أَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى

وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا و شهادت دهم که همانا امامان از فرزندان روح و حقیقت تقوا و نشانه‌های هدایت و رشته‌های محکم (حق و فضیلت) و حجت‌هایی بر مردم دنیا هستند

✓ خداوند در قرآن می‌فرماید: « فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا » (۲۶ فتح) علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان می‌فرماید "کلمه در این جا به معنای روح است. یعنی روح تقوا را بر دلهای آنها افکند چنانکه در آیه ۱۷۱ سوره نساء می‌خوانیم : إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ. مسیح فقط فرستاده خدا و کلمه اوست و روحی است که از ناحیه او به مریم عطا شده است»^۱ بعضی نیز احتمال داده‌اند مراد از کلمه التقوی دستور و فرمانی باشد که خداوند در این زمینه به مومنان داده است ولی مناسب همان روحیه تقواست که جنبه تکوینی دارد و زائیده ایمان و سکینه و التزام قلبی به دستورات خداوند است.

✓ واژه عروة الوثقی در قرآن مجید، دو بار به کار رفته است: « فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى » (بقره، ۲۵۶) کسی که به طاغوت کافر شود و به خدا ایمان آورد، به "دستگیره محکمی چنگ زده است. « وَ مَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى » (لقمان، ۲۲) کسی که روی خود را تسلیم خدا کند، در حالی که نیکوکار باشد، به "دستگیره محکمی" و به تکیه‌گاه مطمئنی تکیه کرده است. انسان برای نجات و پیروزی خود، تکیه‌گاه‌های متعددی انتخاب می‌کند و به ریسمان‌های گوناگونی چنگ می‌زند، مانند: قدرت، ثروت، مقام، فامیل، دوست، نسب و... ولی همه‌ی این طناب‌ها روزی پاره می‌شوند و این تکیه‌گاه‌ها کارایی خود را از دست می‌دهند. تنها چیزی که پایدار، ماندگار و عامل نجات است، چنگ‌زدن به ریسمان محکم الهی و تسلیم بودن در برابر او و انجام اعمال صالح است. «نحن العروة الوثقی»، «العروة الوثقی المودة لآل محمد»

✓ زیارت اربعین اثبات وفاداری ماست به امام، لذا شروع می‌کنید خصلت‌های حبیب خودتان را مرتباً می‌گویید تا قلبتان بیدار بماند. باید برای قلبمان معنی داشته باشد که چرا این وفاداری کهنگی‌پذیر نیست. چون با چنین امامی که کعبه و قبله هر قلب بیداری است، روبه‌رو است.

وَ أَشْهَدُ اَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِاَيَايِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي وَ قَلْبِي

لِقَلْبِكُمْ سَلَامٌ، و شهادت دهم که من به شما ایمان دارم و به بازگشتان یقین دارم با قوانین دینم و عواقب کردارم و دلم تسلیم دل شما است

✓ با این کلمات قلب زائر به جایی می‌رسد که امام را راحت می‌پذیرد. ما باید به قلبمان رجوع کنیم. اگر تسلیم امام نیستیم باید این قلب را اصلاح کنیم. یک وقت است که این قلب هنوز امام را تمام حقیقت نمی‌داند باید رجوع کند به مباحث امام‌شناسی و قرآن و روایت و تاریخ تا این قلب آرام شود و باور کند که ائمه روی این زمین حجت الهی هستند، اگر این چنین قلبتان امام را پذیرفت، این قلب را می‌گویند قلب سَلَام.

وَ اَمْرِي لِامْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَاْذَنَ اللّٰهُ لَكُمْ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ
لَا مَعَ عَدُوْكُمْ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى اَرْوَاحِكُمْ، وَ اَجْسَادِكُمْ وَ شَاهِدِكُمْ
وَ غَايِبِكُمْ وَ ظَاهِرِكُمْ وَ بَاطِنِكُمْ و کارم پیرو کار شما است و یاریم برایتان آماده است تا آن که خدا در

ظهورتان اجازه دهد. پس با شمایم نه با دشمنان شما، دروذهای خدا بر شما و بر روان‌های شما. و پیکرهایتان و حاضران و غائبان و آشکارتان و نهانتان.

✓ تا قلب سلیم نشود و تسلیم به امام نمی‌شود؛ تسلیم هم مقاماتی دارد و نهایت آن این است که چیزی جز حب در دل او نباشد. تسلیم حبی بالاترین مرتبه‌ی تسلیم است و ناشی از طمع و خوف و ... نیست. فردی هم هست که از ترس خدا را عبادت می‌کند و یا اینکه از طمع رسیدن به بهشت خداوند را عبادت می‌کند. آری قلبی که تسلیم امام شد می‌تواند یاری رسان امام همچون یاران امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا شود.

✓ همیشه از این غوغاها در جهان بوده و همیشه جوّی پیش می‌آمده که مؤمنان امتحان بدهند، اکثر مردم هم از این امتحان‌ها موفق بیرون نمی‌آمدند. هم تاریخ بیانگر این مطلب است هم قرآن و روایت. امام حسین (علیه السلام) همین را می‌خواستند به ما یاد بدهند که وفاداران به عهد دینی اندک‌اند؛ ولی فقط همین‌ها نجات یافتگانند. امام حسین (علیه السلام) این گونه ما را نجات می‌دهد.

اَمِيْنَ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ.

نوبهار است در آن کوش که خوشدل باشی **** که بسی گل بدمد باز و تو در گل باشی
 من نگویم که کنون با که نشین و چه بنوش **** که تو خود دانی اگر زیرک و عاقل باشی
 چنگ در پرده همین می دهدت پند ولی **** وعظت آن گاه کند سود که قابل باشی
 در چمن هر ورقی دفتر حالی دگر است **** حیف باشد که ز کار همه غافل باشی
 نقد عمرت ببرد غصه دنیا به گزاف **** گر شب و روز در این قصه مشکل باشی
 گر چه راهیست پر از بیم ز ما تا بر دوست **** رفتن آسان بود ار واقف منزل باشی
 حافظا گر مدد از بخت بلندت باشد **** صید آن شاهد مطبوع شمایل باشی